

آثار حقوقی اصالت یا تعرض به سند در حقوق ایران

امیر خرقانی^۱، محمود قیوم زاده^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات واحد ساوه، گروه حقوق خصوصی، تهران، ایران
^۲ هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات ساوه،

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

امیر خرقانی

maarefteacher@yahoo.com

چکیده

در این تحقیق، موضوع «آثار حقوقی اصالت و تعرض به سند در حقوق ایران»، به کاوش گذاشته شده است. موضوع فوق، شامل فرآیند قضایی و تحلیل حقوقی آن - از مرحله ارائه سند به دادگاه و نحوه استناد به آن در محاکم تا آثار مترتب بر رسیدگی به تعرض به سند - می‌باشد. روش انجام این تحقیق، به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است، در روش کتابخانه‌ای که از میان منابع علمی تهیه شده که مورد تجزیه و تحلیل و استناد قرار گرفته‌اند.

نتایج حاصل از این تحقیق، عبارتند از:

الف- در رابطه با نحوه ارائه سند به دادگاه و نیز قواعد حاکم بر استناد به آن در محاکم، انواع و اشکال و قواعدی، اثبات، استخراج و ارائه شده است که عمدتاً، در آثار و ادبیات حقوقی مربوط، سابقه نداشته است.

ب - مباحث تعرض بر سند، به مثابه زیر مجموعه مدخلی جدید، در آیین دادرسی مدنی، با عنوان «واکنش به سند»، نظمی علمی، به خود گرفته است.

ج - انواع، محدودیت‌ها و قواعد کامل بر هر یک از اشکال تعرض به سند، با انسجام و ثبات ارائه و اثبات شده‌اند.

د - شرایط، نحوه و ترتیب، مراحل و آثار رسیدگی به هر یک از اشکال تعرض به سند، در قالبی علمی و نظم یافته، مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته و تحریر شده‌اند.

و- یافته مهم این تحقیق که در جریان رسیدگی روزمره به کار محاکم حقوقی می‌آید عبارتست از طراحی و ترسیم «الگوی عمومی رسیدگی به تعرض بر سند.

واژگان کلیدی: سند رسمی، تعرض و اصالت، آثار حقوقی

مقدمه

نقش سند در زندگی اجتماعی انسان، روز به روز، بیشتر می‌شود. مطلوبیت و اثر بخشی ایده‌های مبتنی بر سازماندهی امور، موجب شده است که کاربرد سند، در شئون مختلف زندگی افراد، توسعه پیدا کند. بنابراین نیاز به ارائه اسناد، در مراجع مختلف، همواره، افزایش می‌یابد. تنظیم بسیاری از قراردادها و برخورداری از حقوق اجتماعی و فردی، مستلزم ارائه اسناد و مدارک مثبت است. اما، آنچه در این تحقیق، مرکز بحث و مدار گفتگو است؛ عبارت است از: «قواعد حاکم بر ارائه اسناد در محاکم دادگستری» با این قید، بسیاری از قواعد و مباحث قابل طرح، در ذیل عنوان «ارائه سند» حذف می‌شود و به این ترتیب، تنها، به بررسی این مباحث در حوزه دادرسی و قلمرو محاکم دادگستری می‌پردازیم.

۲- تعریف سند

ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی، در تعریف سند، می‌گوید: «سند، عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع، قابل استناد باشد». استاد دکتر کاتوزیان نیز، در مقام تعریف سند، گفته‌اند: «نوشته‌ای که به منظور تحقیق بخشیدن و اثبات واقعه حقوقی، تنظیم می‌شود؛ در اصطلاح حقوقی، «سند» نوشته‌ای است که در اثبات مطلبی، به کار رود؛ هر چند که هرگز، در مقام دعوی یا دفاع، به کار نرود.»^۱ البته شایان ذکر است که سند و تعریف آن را می‌توان به اسناد الکترونیکی هم تعمیم داد.

۲-۱. انواع سند در حقوق ایران

سند به معنای «نوشته قابل استناد» همانطور که در قانون مدنی ایران ماده ۱۲۸۶ آمده است اسناد، به دو گروه «اسناد رسمی» و «اسناد عادی» تقسیم می‌شوند.

۲-۲. تعریف سند رسمی

همانطور که گذشت؛ ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی، در مقام تعریف سند رسمی، می‌گوید: «اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمی، در حدود صلاحیت آنها، برطبق مقررات قانونی، تنظیم شده باشند؛ رسمی است.» برخی معتقدند که قانون گذار، در این ماده، در صدد تعریف سند رسمی نبوده؛ بلکه در اینجا، شرایطی بیان شده که تحت آن شرایط، اسناد، وصف «رسمی بودن» پیدا می‌کنند.^۲ این ماده تصریح می‌کند: «در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن، در محکمه محرز شده، دعوی که مخالف با مفاد یا مندرجات آن باشد؛ به شهادت، اثبات نمی‌گردد.»

۲-۳. حدود اعتبار اسناد رسمی

اعتبار اسناد رسمی، مطلق می‌باشد و به طور کلی، در مقابل طرفین و سایر اشخاص، اعتبار دارد. آقایان دکتر کاتوزیان و دکتر صدرزاده افشار، ضمن طرح این نظریه، اظهار عقیده کرده‌اند که قانونگذار، در ماده ۱۲۹۰ قانون مدنی، محتوای سند را، با توان اثباتی آن، به هم آمیخته است. به عبارت دیگر، آنچه مشمول اصل «نسبی بودن اعتبار» است؛ محتوای سند و آثار قرارداد طرفین است؛ اما خود سند، در مقابل تمامی افراد، مطلقاً، معتبر است. در مقابل این گروه، برخی از دیگر نویسندگان حقوقی - از جمله آقای دکتر سیدجلال الدین مدنی - معتقدند که مفاد ماده ۱۲۹۰ قانون مدنی، عبارت است از «اصل نسبی بودن اعتبار سند» و این، چیزی جدای از اصل نسبی بودن اعتبار قراردادها یا محتوای سند می‌باشد. به عقیده این گروه، قانون مدنی اصل نسبی بودن اعتبار سند، در مقابل اشخاص ثالث را پذیرفته است و تنها، مواردی به عنوان استثنای بر این اصل، ذکر شده است؛ نظیر اعتبار تاریخ سند رسمی که به طور مطلق و در مقابل اشخاص ثالث هم پذیرفته شده است. به این ترتیب ایشان، تصرفی در ظاهر ماده ۱۲۹۰ ندارند و با پذیرش ظهور این ماده، اصل نسبی بودن اعتبار اسناد را، جدای از اصل نسبی بودن اعتبار قراردادها - که موضوع ماده ۲۳۱ قانون مدنی است - می‌دانند.

^۱ - کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات، جلد اول، نشر میزان، چاپ هفتم، ۱۳۹۰، صفحه ۲۷۷.

^۲ - جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۹، صفحه ۱۰.

^۳ - امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، جلد ۶، انتشارات اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۵، صفحه ۸۰ و نیز، مدنی، سید جلال الدین، ادله اثبات دعوی، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۷۶، صفحه ۱۱۹.

۴-۲. شرایط اعتبار و استناد

در این خصوص که اصل اولیه، بر اعتبار اسناد عادی است یا از بی‌اعتباری آن حکایت می‌کند؛ نظریات مختلفی ارائه شده است. علاوه بر استاد جعفری لنگرودی، قریب به اتفاق حقوق دانان معاصر، معتقدند که اصل اولیه، بر اعتبار سند عادی استقرار دارد؛ مگر حذف آن به اثبات رسد. طبق این نظریه، همین که سند عادی، علیه یکی از متداعیین، ابراز شود و مورد تکذیب (انکار یا تردید) طرف مقابل قرار نگیرد، می‌توان به مفاد آن، ترتیب اثر داد. البته، چون مطابق قوانین مربوط، امکان هرگونه تعرض به سند عادی وجود دارد، در صورتی که طرف مقابل، هرگونه تعرضی، نسبت به سند ابزاری، بنماید؛ ضرورت دارد که موافق مقررات قانون آیین دادرسی، به آن تعرضی، نسبت به سند ابزاری، بنمایند؛ ضرورت دارد که موافق مقررات قانون آیین دادرسی، به آن تعرضی، رسیدگی شود و در این صورت، اصل اولیه مزبور (اعتبار سند عادی)، زایل شده و بار اثبات صحت و اصالت سند ابزاری برابر قواعد مقرر، عمدتاً - و در مورد انکار و تکذیب - بر دوش ابراز کننده، مستقر می‌شود. قائلین به این نظریه، قول به اصل عدم اعتبار سند عادی را حتی در صورت فقدان تعرض - با ظاهر قانون (ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی سابق و ماده ۱۲۹۱ قانون مدنی) و نیز رویه قضایی، در تقابل و تعارض می‌بینند. طبق این نظریه^۴، شرایط اعتبار و استناد به سند عادی، حداکثر در موارد ذیل، خلاصه می‌شود:

۱- سند، دارای امضا یا مهر یا اثر انگشت منتسب الیه باشد؛

۲- مندرجات آن، به وسیله حاشیه نویسی یا خط کشیدن و امثال آن، باطل نشده باشد (ماده ۱۳۰۲ قانون مدنی)؛

۳- تعرض از ناحیه طرف مقابل، وارد نشده باشد؛

۴- (به نظر برخی از محققان) امضاء به منظور پرهیز از هرگونه شبیه سازی و تقلب، تکرار شده باشد.

البته عده ای نظریه اصل عدم اعتبار اسناد عادی دارند که در ایران پذیرفته نیست طبق این نظریه، اصل اولیه، عدم اعتبار اسناد عادی است و بنابراین محاکم نمی‌توانند؛ مطابق اسناد عادی، حکم کنند؛ حتی اگر، مفاد سند عادی ابزاری، مورد تعرض طرف مقابل، قرار نگرفته باشد.

۳. مقایسه آثار حقوقی اصالت اسناد عادی و رسمی

۳-۱. ارزش و اعتبار قانونی

اصل اولیه در خصوص اسناد رسمی، عبارت است از: «اعتبار و لزوم» اما این اصل، در مورد اسناد عادی، به گونه‌ی دیگری است؛ زیرا اسناد عادی، در مقابل هر قسم تعرضی، با اصل عدم اعتبار مواجه هستند و همان‌طور که گذشت؛ به نظر برخی، اسناد عادی، حتی در صورت عدم تعرض نیز، اعتبارشان، مستلزم تصدیق طرف مقابل یا احراز دادگاه می‌باشد.^۵ نکته دیگری که در خصوص اعتبار اسناد، قابل توجه است؛ این است که منشأ اعتبار اسناد عادی، منحصرأ ناشی از امضای شخص یا اشخاص امضاء کننده آنهاست، در حالی که منشأ اعتبار سند رسمی، علاوه بر این، ناشی از امضای تنظیم کنندگان و تأیید سازمان اداری مربوط است.^۶ نکته دیگر در مورد تفاوت اسناد عادی و رسمی - از حیث ارزش و اعتبار قانونی - آن است که اسناد عادی، در مواردی نظیر معاملات راجع به عین و منافع اموال غیر منقول و یا صلح نامه و شرکت نامه - مذکور در مادتهای ۴۶ و ۴۷ قانون ثبت اسناد و املاک - اساساً پذیرفته نمی‌شوند؛ بر خلاف اسناد رسمی که در کلیه موارد، علاوه بر دارا بودن ارزش و اعتبار قانونی، از ضمانت اجرایی، نظیر مفاد ماده ۷۳ قانون ثبت نیز برخوردارند و استنکاف قضات و سایر مأمورین دولتی، از پذیرش این اعتبار و ارزش، با واکنش و مسؤولیت اداری و انتظامی و مدنی و ... مواجه می‌باشد.^۷

^۴ - برای اطلاع بیشتر رک به: کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات، جلد اول، نشر میزان، چاپ هفتم، ۱۳۹۰، صفحات ۳۱۷ - ۳۲۵ و نیز؛ شیخ نیا، امیر حسین، ادله اثبات دعوی، شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، ۱۳۷۵، صفحات ۹۸ و ۹۹ و همچنین، صدرزاده افشار، سید محسن، ادله اثبات دعوی در حقوق ایران، مرکز نشر دانشگاهی تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۶، صفحات ۱۱۱ و ۹۹ و نیز جعفر لنگرودی، محمد جعفر، دانشنامه حقوقی، جلد چهارم، انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۶، صفحه ۵۲۲

^۵ - واحدی - قدرت الله، بایسته‌های آیین دادرسی مدنی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۹، صفحه ۱۵۴

^۶ - کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات، جلد اول، نشر میزان، چاپ هفتم، ۱۳۹۰، صفحه ۲۸۱

^۷ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دانشنامه‌ی حقوقی، جلد چهارم، انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۶، صفحه ۷۵۳

۲-۳. تعرض پذیری

مهم‌ترین تفاوت اسناد رسمی و عادی - از دیدگاه موضوع این تحقیق - عبارت است از: «تفاوت، در قواعد حاکم بر تعرض به اسناد عادی، با تعرض بر سند رسمی.»

اولاً: تعرض پذیری اسناد عادی، عام و فراگیر می‌باشد؛ یعنی برای دفاع در مقابل اسناد عادی، می‌توان از انواع مختلف تعرض، استفاده کرد (اعم از ادعای جعل یا تردید و انکار و دعوی بی‌اعتباری) اما در مقابل سند رسمی، تنها، به یکی از دو طریق دعوی جعلیت یا بی‌اعتباری، می‌توان تمسک نمود. (ر.ک. ماده‌ی ۲۱۶ قانون آیین دادرسی مدنی جدیدالتصویب و ماده‌ی ۱۲۹۲ قانون مدنی و ماده‌ی ۷۰ قانون ثبت)

ثانیاً: تکرار تعرض به سند عادی، امکان‌پذیر است؛ به این نحو که فرد می‌تواند، ابتدا نسبت به مفاد سند عادی، انکار یا تردید نماید و پس از رسیدگی و احراز صحت آن، در قالب دعوی جعل نسبت به سند مزبور مبادرت به تعرض مجدد نماید.

ثالثاً: در مقابل سند عادی، می‌توان ابتدا مدعی جعل و سپس منکر شد و هم می‌توان بالعکس، عمل نمود؛ بدو، منکر انتساب شده و پس از صدور قرار صحت انتساب، مدعی جعلیت، در متن یا امضاء و مهر سند گشت.^۸

مطابق ماده ۱۳۰۵ قانون مدنی، «در اسناد رسمی، تاریخ تنظیم، معتبر است؛ حتی بر علیه اشخاص ثالث، ولی در اسناد عادی، تاریخ، فقط درباره‌ی اشخاصی که شرکت در تنظیم آنها داشته و ورثه‌ی آنان و کسی که به نفع او وصیت شده، معتبر است.»

البته، منشاء این تفاوت، عبارت از این است که تاریخ اسناد رسمی، توسط مأمور رسمی تعیین می‌شود و بر همین پایه، قانون گذار، به لحاظ رعایت نظم عمومی، فرض واقعیت آن را نموده است و محسوسات مأمور را، از اعلامیات افراد، متفاوت دانسته است. اما تاریخ اسناد عادی، تنها مبتنی بر اقرار و تصدیق طرفین بوده و لذا تأثیر آن، نمی‌تواند؛ از دایره‌ی مربوط به آن‌ها فراتر رفته و اشخاص ثالث را نیز در بر بگیرد.^۹ تفاوت مهم دیگری که میان اسناد رسمی و عادی وجود دارد؛ از نظر قدرت اجرایی است. به موجب ماده ۹۲ قانون ثبت اسناد و املاک «مدلول کلیه‌ی اسناد رسمی راجع به دیون و سایر اموال منقول، بدون احتیاج حکمی از محاکم عدلیه، لازم الاجرا است ...» ماده ۹۳ قانون مزبور نیز مقرر می‌دارد: «کلیه‌ی اسناد رسمی راجع به معاملات املاک ثبت شده، مستقلاً و بدون مراجعه به محاکم، لازم الاجرا است.» در ماده ۵۰ آیین نامه دفاتر رسمی و همچنین، تبصره ماده ۴ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا، موضوع قابلیت و قدرت اجرایی اسناد رسمی، به نحوی تکرار شده است. مفاد رأی وحدت رویه شماره ۱۲ مورخ ۱۳۶۰/۳/۱۶ هیات عمومی دیوان عالی کشور نیز در تأیید همین معناست.

اجرای مفاد اسناد عادی - اما - مستلزم طرح در محکمه و طی فرآیند رسیدگی قضایی است. البته قانون گذار، در ماده ۱۲۹۱ قانون مدنی، برخی از اسناد عادی را، در حکم سند رسمی قرار داده است. به موجب ماده مزبور، «اسناد عادی، در دو مورد، اعتبار سند رسمی را داشته و درباره طرفین و قائم مقام آن معتبر است:

۱- اگر طرفی که سند علیه او اقامه شده است؛ صدور آن را از منتسب الیه تصدیق نماید.

۲- هر گاه در محکمه ثابت شود که سند مزبور را، طرفی که آن را تکذیب یا تردید کرده؛ فی الواقع امضا یا مهر کرده است.»

^۸ - امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد ۶، انتشارات اسلامیة، چاپ هفتم، ۱۳۷۵، صفحات ۱۷۳ - ۱۶۹ و نیز، برقی، سید جعفر، تعرض به اصالت سند (پایان نامه ارشد)، استاد راهنما: دکتر شمس - ۱۳۸۰ - ۱۳۷۹، صفحه ۲۶ و همچنین، برای مطالعه بیشتر و دیدن سایر انظار، ر.ک. به: جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دانشنامه حقوقی، جلد سوم، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۶، صفحه ۷۵۳ و جلد چهارم، صفحه ۵۲۱ و نیز، مدنی، سید جلال‌الدین، ادله اثبات دعوی، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۷۶، صفحه ۱۵۷، و همچنین کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات، جلد اول، نشر میزان، چاپ هفتم، ۱۳۹۰، صفحه ۳۲۳ و نیز مدنی، سید جلال‌الدین، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، انتشارات پایدار، چاپ اول، ۱۳۷۹، صفحه ۲۵۵.

^۹ - کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات، جلد اول، نشر میزان، چاپ هفتم، ۱۳۹۰، صفحات ۲۸۴، ۲۸۵، ۳۰۱، ۳۳۱ و نیز، امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد ۶، انتشارات اسلامیة، چاپ هفتم، ۱۳۷۵، صفحات ۱۷۱ تا ۱۷۵ و همچنین، عظیمی، محمد، ادله اثبات دعوی، انتشار هاد، چاپ دوم، ۱۳۷۲، صفحه ۲۷۹.

در عین حال، قانون گذار، برخی از اسناد عادی را دارای قدرت اجرایی دانسته است؛ نظیر برخی از اسناد تجاری همچون چک که در صورت تحقق شرایطی، دارنده‌ی آن می‌تواند؛ به دایره‌ی اجرای ثبت مراجعه نموده و صدور اجراییه به منظور اجرای مدلول سند مزبور و وصول وجه آن را تقاضا نماید.

۴. انواع ارائه و استناد به سند، در محاکم قضایی

در جریان طرح دعوی یا دفاع در پرونده‌های قضایی، «ارائه اسناد به محاکم قضایی»، ضرورت پیدا می‌کند. قواعد و مقررات موجود، در این خصوص، حاکی از آن است که ارائه اسناد در دادگاه‌ها، به گونه‌ای بسیط و یکسان، انجام نمی‌شود، بلکه ارائه سند در مراجع مزبور، ممکن است با اشکال و گونه‌های متفاوتی، صورت پذیرد. مهم‌تر آنکه، آثار و قواعد حاکم بر هر یک از این اشکال ارائه، تفاوت‌های جدی، با یکدیگر دارند. ذیلاً، به بررسی انواع ارائه سند، در محاکم دادگستری، می‌پردازیم.

۴-۱. ارائه‌ی غیر مستقیم سند، با ادعای فقدان یا تلف اصل آن

در چنین فرضی، باید توجه داشت که چنانچه، سند موضوع دعوی، از اسناد رسمی باشد؛ تهیه رونوشت از آن، به سادگی ممکن خواهد بود.^۱ برای این منظور، کافی است که ذی‌نفع یا دادگاه، از مرجع صدور سند رسمی، تقاضا کند که رونوشتی از سند مزبور، تهیه کرده و در اختیار قرار دهد. اما اگر سند مورد استناد، از انواع اسناد عادی باشد و یکی از طرفین دعوی، با استناد به سند مزبور، ارائه مفاد و مشخصات آن، مدعی تلف یا مفقود شدن آن گردد، ممکن است تصور شود که مدعی تلف شدن سند، در حکم مدعی امر عدمی است و قاعده‌ی «معافیت از اثبات امر عدمی»، حاکم است و نباید از او، امری محال راخواست، چرا که منطقاً اثبات امر عدمی، مقدور نیست. اما باید توجه داشت که مفاد قاعده‌ی «محال بودن اثبات امر عدمی»، ناظر به امور عدمی مطلق و کلی و عام می‌باشد. به طور کلی، اگر جمله منفی، واقع‌های را بیان کند و بتوان آن واقعه را، به صورت یک جمله مثبت نیز بیان کرد، هیچ مشکلی برای اثبات آن، پیش نمی‌آید.

۴-۲. ارائه‌ی غیر مستقیم سند، با این ادعا که اصل سند، در ید طرف مقابل است

ممکن است یکی از متداعیین، برای اثبات ادعای خود، مستقیماً دلیلی و سندی ارائه ننماید؛ اما اعلام کند که اسناد و مدارکی که مثبت دعوی یا مؤثر در اثبات آن است وجود دارد؛ ولی این اسناد، در اختیار طرف دعوی است «هرگاه سند معینی که مدرک ادعا یا اظهار یکی از طرفین است؛ نزد طرف دیگر باشد؛ به درخواست طرف، باید آن سند، ابراز شود...» در ادامه این ماده و در مقام بیان ضمانت اجرای این تکلیف، مقرر شده: «... هرگاه طرف مقابل، به وجود سند در نزد خود اعتراف کند؛ ولی از ابراز آن امتناع نماید؛ دادگاه می‌تواند آن را از جمله قرائن مثبت بداند.»

۵. واکنش به سند، توسط دادگاه

اول این‌که، سند ابرازی دارای امضاء و فاقد خط خوردگی باشد؛

دوم اینکه، مفاد آن، در ارتباط با مطلوب و خواسته ابراز کننده باشد؛

سوم اینکه، قوانین نیز منعی بر مفاد آن سند، نداشته باشند؛

چهارم آنکه، مفاد سند ابرازی، در رابطه با سایر ادله موجود در پرونده معتبر است یا نه؟ و در چه وضعیتی قرار می‌گیرد؟ در طول

مرحله اول رویه قضایی، اصل اعتبار و صحت سند ابرازی را پذیرفته است؛

به هر حال دادگاه، به عنوان مرجع رسیدگی کننده - نمی‌تواند پدیده‌ای را در فرآیند دادرسی، «به عنوان واکنش به سند»

ملاحظه کند؛ اما نسبت به آن، بی‌تفاوت باشد.

، واکنش دادگاه تابعی است از واکنش طرفین است لذا در مواردی که واکنش طرفین، نسبت به سند ابرازی، با اقرار و قبول و ...

همراه باشد؛ دادگاه نیز مفاد سند را، مثبت تلقی نموده مطابق آن، رأی خواهد داد

همچنین در مواردی واکنش دادگاه به سند، به حکم نص قانون، تعیین شده است؛ نظیر مواد ۲۲، ۷۲، ۷۳ قانون ثبت، در رابطه

با الزام محکمه به پذیرش مفاد اسناد رسمی.

اما واکنش دادگاه در فرضی که سند ارائه شده از سوی ارائه دهنده استرداد شود یا از سوی طرف مقابل، مورد تعرض قرار گیرد؛

در فصل آتی، با عنوان تعرض به سند و ابطال پذیری آن بررسی خواهد شد.

دادگاه راساً متوجه ایراد سند مزبور گردد.

کسی که در دادگاه، سندی علیه او، ابراز شده است؛ می‌تواند نسبت به آن سند، واکنش‌های متفاوتی داشته باشد. مجموع این واکنش‌ها در دو دسته مثبت و منفی، قابل طبقه‌بندی است.

طرف مقابل، با اتخاذ رویکرد مثبت، در مقابل سند ابرازی، می‌تواند؛ یکی از انواع واکنش مثبت را، به شرح آتی اتخاذ کند:

۱- اقرار

۲- سکوت

۳- اتخاذ سند

۴- در مقابل واکنش منفی به سند ابرازی (تعرض به سند) هم به وجود می‌آید

هر چند اصحاب دعوی در اثبات ادعای خود پس از طرح دعوی در محاکم و نزد قضات می‌توانند از تمام ادله ای که مثبت حق آنهاست استفاده کنند و دادگاه موظف است رسیدگی کند، اما در میان ادله مطروحه در قانون، استناد به سند به ویژه سند رسمی موقعیت جایگاه ویژه ای داراست، از این جهت که اصولاً تمام قضاتی که در هنگام ارائه سند رسمی و امثال و ارزیابی و تشخیص میزان ارزش و تاثیر پذیری سندی را دارا نبوده و مکلف است بدون هیچ تأملی آن را بپذیرد، حال آنکه ادله دیگر مانند کارشناسی، تحقیق محلی و سایر ادله قضایی می‌توانند توسط دادگاه مورد ارزیابی و تحلیل و تفسیر واقع شود و در چنین شرایطی و هنگام ارائه سند از سوی خواهان تنها امیدی که برای خواننده می‌تواند تصور کرد این است که به اصالت سند ارائه شده یا محتوا و مفاد آن تعرضی داشته باشد.

۶. تعرض به سند و ابطال پذیری آن

تعرض به سند را می‌توان یکی از وسایل دفاعی - به معنای عام آن - شناخت که عمدتاً توسط خواننده‌ی دعوی به کار گرفته می‌شود، اما در مواردی ممکن است، «تعرض به سند» از سوی خواهان نیز صورت پذیرد، زیرا این‌گونه نیست که در طول رسیدگی به دعوی، خواهان و خواننده همیشه و همواره، در موضع ثابتی قرار داشته باشند؛ بلکه همان‌طور که در ذیل ماده‌ی ۱۲۵۷ قانون مدنی پیش‌بینی شده است؛ با «انقلاب دعوی» جایگاه خواهان و خواننده تعویض می‌شود. پس، تعرض به سند، به عنوان یک وسیله‌ی دفاعی، ممکن است توسط هر یک از طرفین منازعه، به کار گرفته شود.

یکی دیگر از محدودیت‌های تعرض به سند، مشکل بار اثبات تعرض است. این مشکل نیز، عمدتاً، در تعرض ابرادی و در خصوص جعل (خواه با تعیین جاعل یا بدون تعیین جاعل) وجود دارد. متعرض به سند، باید در قالب قوانین و مقررات موجود، بتواند این ادعای خود را اثبات کند؛ در غیر این صورت دعوی وی مردود و تعرض مطروحه، بی اساس اعلام خواهد شد. شاید بتوان مبنای متفاوتی برای انواع تعرض بر سند، ارائه نمود. یکی از مبانی، تقسیم «تعرض به سند» بر اساس شکل یا مفاد مورد تعرض می‌باشد. به این معنا که تعرض به سند، در اولین تقسیم، ممکن است متوجه ساختمان و شکل سند باشد و یا متوجه مضمون و مفاد و محتوای آن گردد. بر این اساس، تعرض به سند، تقسیم می‌شود به تعرض به سند در قالب ایراد و تعرض به سند در قالب دفاع به معنای اخص. به تعبیر دیگر، تعرض به سند، گاه به صورت شکلی و گاه به صورت ماهیتی محقق می‌گردد. مبنای دیگری که برای تقسیم انواع تعرض، قابل تصور است؛ بر اساس اثر تعرض به سند می‌باشد. به این معنا که، تعرض به سند کیفری و گاه به صورت حقوقی طرح می‌گردد و بنابراین، اثر تعرض به سند، گاه موجب ایجاد مسوؤلیت کیفری توأم با مسوؤلیت مدنی می‌باشد و گاه اثر تعرض محدود به مسوؤلیت مدنی می‌باشد.

۶-۱. عدم انکار در سند رسمی

انکار در سند به معنی اظهار عدم شناسایی و نیز نفی چیزی است در اصطلاح آیین دادرسی مدنی کسی که سند علیه او ابراز شود و او مهر یا امضاء یا اثر انگشت منتسب به خود را نفی کند این عمل را انکار سند می‌نامند و گاهی به جای این اصطلاح عبارت تکذیب سند را به هم بکار می‌رود.^{۱۱}

از نظر آیین دادرسی، وقتی یکی از اصحاب دعوی در قبال دیگری سند عادی ابراز می‌کند ظاهراً نسبت به اوست، نامبرده با صدور آن از سوی خود تصدیق می‌کند که در این صورت در اصالت و صدور آن تردیدی باقی نمی‌ماند و دادرسی آن سند عادی را مانند سند رسمی تلقی و به آن ترتیب اثر می‌دهد و یا اینکه سند عادی را انکار می‌کند، او در واقع می‌گوید گرچه ظاهر سند حکایت از انتساب آن به او دارد اما در حقیقت به او منتسب نیست و او از صدور آن اطلاعی ندارد، بلکه ممکن است منتسب به شخص دیگری به همان نام باشد. به ویژه با توجه به اینکه نویسنده سند عادی برخلاف سند رسمی مأمور رسمی صلاحیت دار نیست و معمولاً مشخصات کامل شخص را در آن

^{۱۱} - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط ترمینولوژی حقوق، جلد اول، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۸، صفحه ۹۶

قید نمی کند از این رو انکار سند عادی همیشه امکان دارد و ابراز کننده سند مکلف است اصالت آن سند را ثابت کند، بدین معنی که ثابت کند سند مذکور از سوی همین شخص طرف ادعا صادر شده است، نه دیگران.^{۱۲} بنابراین در اصطلاح آیین دادرسی وقتی سخن از انکاری بود، منظور این است که فرد، خط یا مهر یا امضاء یا اثر انگشت نسبت به خود را انکار نموده و اظهار داشته است آنچه به او منتسب شده مربوط به وی نمی باشد و آنچه ذیل نوشته ابرازی دیده می شود، امضاء یا مهر او نیست و بطور قطع سند را نفی کرده و آنرا مورد تکذیب قرار داده است.^{۱۳} هر گاه سند مورد انکار قرار گیرد کسی که دارنده سند است، مخیر خواهد بود تصمیم بگیرد به سند مورد استناد همچنان باقی باشد، یا اینکه سند را از اعداد دلایل خود خارج کند.

سند آن را مستند دارد، بدیهی است سند مرقوم از مستندات دادگاه خارج خواهد شد و هرگاه ابراز کننده سند دلایل دیگری داشته باشد، دادگاه به آنها رجوع می کند و هرگاه دارنده سند آن را استرداد نماید و محکمه سند را مؤثر در دعوی بداند، به اعتبار اصالت آن رسیدگی می نماید.

۶-۲. عدم تردید در سند رسمی

کسی که در دعوی علیه او سند عادی ابراز شود و سند منتسب به خود او نباشد میتواند نسبت به آن از حیث صحت و سقم انتساب به صادر کننده سند اظهار شک و تردید کند، در اصطلاح آیین دادرسی مدنی تردید به دفاع کسی است که سند ابرازی منتسب به او نیست ولی علیه او مورد استفاده قرار می گیرد.^{۱۴}

جعل سند یا سند سازی عبارت است از ساختن نوشته به خلاف واقع با سوءنیت به نحوی که قابل اضرار به غیر باشد خواه به صورت تقلبات مادی از قبیل تغییر و تبدیل و یا تقلید از کلمات و ارقام و امضاء یا انحاء مختلف به طوریکه موجب نمایش خلاف واقع شود، خواه به تقلب معنوی و تزویر از قبیل تغییر ماهیت در موضوع نوشته در حین تنظیم و یا تصدیق به الزام و ابراء اشخاص ذی مدخل بر خلاف و به نحو اغفال و یا مسکوت گذاشتن بعض اظهارات و اعترافات و شرایط مؤثری که مورد قبول و توافق اشخاص ذی مدخل می باشد. در حین تنظیم سند و یا به هر نحو دیگری امر غیر واقعی را واقع وانمود کردن.^{۱۵}

۷. راههای تشخیص اصالت سند

متعاقب ادعای یکی از اصحاب دعوی مبنی بر جعل یا انکار یا تردید نسبت به سند ابرازی دادگاه موظف است، ضمن صدور قرار رسیدگی مراتب اصالت سند را مورد بررسی قرار داده و حکم مقتضی صادر نماید.

راههای رسیدگی برای تشخیص اصالت سند بموجب مقررات موضوعه در مواد ۲۲۳ و ۲۲۴ و ۲۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی پیش بینی شده و از آنجایی که از لحاظ ترتیب رسیدگی بین ادعای جعل و تکذیب (تردید و انکار) نسبت به سند تفاوتی وجود دارد، بنابراین دادگاه ها در هر مورد به نحو یکسان عمل نموده و به استناد و مقررات فوق الاشعار مبادرت به اصدار حکم می کنند و تنها تفاوتی که وجود دارد از این جهت است که دلایل جعلی را مدعی و دلایل اصالت سند را در مورد تکذیب، صاحب سند ارائه می کند. به این ترتیب صرف نظر از اینکه نسبت به سند ابرازی ادعای جعل یا تردید یا انکار شده باشد دادگاه موظف است طبق موارد فوق الذکر نسبت به اصالت آن رسیدگی کند.

۸- نتیجه گیری

پیشینه ی تقریباً هشتاد ساله ی تشکیلات ثبتی و تنظیم اسناد رسمی نشان می دهد که هر چه به زمان حاضر نزدیک می شویم اقبال قانونگذار به افزودن مصادیق تنظیم سند رسمی بیشتر شده ، و این امر با فلسفه و هدف ایجاد و انتظام بیشتر در تعاملات حقوقی و ثبتی و ممانعت از کثرت پرونده های قضایی ، صورت می پذیرد ، مصادیق اجباری تنظیم سند رسمی نیز در کنار مصادیق اختیاری آن در حال افزایش است. در ضمن اگر قانون ، رعایت تشریفات خاصی را برای تنظیم سند رسمی قائل شده و نهادهای تنظیم کننده آن را منحصر به سه ارگان (ادارات ثبت اسناد و املاک ، دفاتر اسناد رسمی ، سایر ادارات و ارگان های دولتی و وابسته به دولت) دانسته است ، در مقابل آثار مخصوصی را به سند رسمی اعطاء نموده که اسناد عادی به طور کلی از آن بی بهره اند ، بر همین اساس اصل بر

^{۱۲} - صدر زاده افشار، سید محسن، ادله اثبات دعوی در حقوق ایران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۶۹، صفحه ۸۵

^{۱۳} - مدنی، سید جلال الدین، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، انتشارات پایدار، ۱۳۷۹، صفحه ۲۶۱

^{۱۴} - کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، نشر میزان، چاپ سی نهم، صفحه ۷۸۶

^{۱۵} - میر محمد صادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه امنیت و آسایش، نشر میزان، ۱۳۸۴، صفحه ۲۴۷

ترجیح سند رسمی نسبت به سند عادی است و این ترجیح اعتبار چه از بعد شکلی و چه حیث ماهوی در مقررات موضوعه و سایر منابع حقوقی انعکاس یافته است.

همچنین برتری و ترجیح سند رسمی از حیث اعتبار شکلی بر اسناد عادی از جهت عدم امکان انکار یا تردید نسبت به آن مشهود است و از سوی دیگر، در باب ادعای جعل نیز حداقل در رویه قضایی، سختگیری و حساسیت بیشتری نسبت به اسناد رسمی وجود دارد و ادعای جعل نسبت به این گونه اسناد با دشواری های اثباتی بیشتر مواجه است.

پیشنهادهای

با توجه به یافته های این تحقیق، می توان پیشنهادهایی برای بهبود امور، به شرح ذیل ارائه نمود:

الف- در ارتباط با قانون گذاری

لازم است قانون گذار همراه با توسعه فن آوری، قوانین مرتبط را هماهنگ سازد؛ به گونه ای که خلاء قانونی پدید نیاید. در این خصوص، تدوین قوانین مرتبط با ادله اثبات الکترونیکی، به صورت کلی و مقررات مربوط به اسناد الکترونیکی، به صورت خاص و بحث از تعرض به اسناد الکترونیکی- به صورت اخص- ضرورت دارد.

لازم است قانون گذار، وضعیت نظام ادله در حقوق ایران را از نظر تبعیت آن، از الگوی نظام ادله قانونی یا معنوی یا قراردادی، با صراحت بیشتری تعیین کند تا امکان برداشت های مختلف، درمباحث زیر شاخه این موضوع، منتفی گردد؛ به عنوان مثال و در ارتباط با موضوع این تحقیق، باید صریحاً مشخص شود که آیا محاکم، در تعیین نوع اقدام برای رسیدگی به صحت و اصالت سند، از آزادی عمل برخوردارند یا محدود به اقداماتی هستند که در قانون آمده است؟ رفع ابهام از ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی جدیدالتصویب، در رابطه با موعد انکار که ناشی از اضافه شدن کلمه «حتی الامکان» در تغییرات سال ۱۳۷۹ می باشد؛ ضرورت دارد. تعیین تکلیف تمامی واکنش های متصور، نسبت به سند ابرازی- نظیر فرض های سکوت و اظهار جعل- از نظر نحوه تحقق این واکنش ها و انواع و تفاوت ها و آثار هر یک ضرورت دارد.

ب- در رابطه با رویه قضایی

لازم است در فروع ابهام و سکوت و اجمال قانون، رویه های هدف مندی شناسایی و استقرار یابد. در رابطه با روش های انجام کار در محاکم و نیز مراحل رسیدگی به موضوع تعرض به سند، ضرورت دارد؛ «دیدگاه فرایند گرایی» حاکم گردد؛ به گونه ای که: اولاً، ایستگاه های کاری اضافی و غیر مرتبط، حذف شوند و ثانیاً، نقشه انجام کار، در جریان رسیدگی به تعرض و فروع و شقوق عملی آن، کاملاً نهادینه گردد. برای تحقق مفاد بند قبل، لازم است در رویه قضایی، استفاده از «فنون و تکنیک های سایر علوم» و حرفه های بین رشته ای، جدی گرفته شود.

ج- در رابطه با علم حقوق

ضرورت دارد که علم حقوق از نظر به کارگیری «روش های آموزشی و علوم تربیتی» دچار تحول شود. البته استفاده از تحلیل های حقوقی نیز در کنار این موضوع ضرورت دارد. استفاده از روش های تحقیق در علوم و ایجاد سازگاری میان این روش ها با شیوه های سنتی تحقیق در علم حقوق، به منظور کنترل روایی و پایایی نتایج تحقیقات ضرورت دارد. کاربردی شدن نتایج تحقیقات حقوقی، به گونه ای که نتایج آنها، دقیقاً ناظر به نیازهای محاکم قضایی باشد؛ موجب بهره وری بیشتر تحقیقات حقوقی خواهد شد؛ لذا لازم است در این خصوص بیشتر توجه شود.

منابع و مراجع

۱. قرآن مجید
۲. نهج البلاغه
۳. دیوان حافظ
۴. اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک، انتشارات سمت، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۹.
۵. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد اول، انتشارات اسلامی، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۵.
۶. _____، جلد دوم، انتشارات اسلامی، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۵.
۷. _____، جلد ششم، انتشارات اسلامی، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۵.
۸. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، کلیات و دعاوی ناشی از جرم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳
۹. _____، جلد دوم، سازمان و صلاحیت مراجع کیفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات تهران، چاپ دهم، ۱۳۸۲
۱۰. _____، جلد چهارم، اندیشه ها، انتشارات اشراق، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۱
۱۱. _____، جلد سوم، اجرای احکام کیفری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۳
۱۲. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، انتشارات سمت، چاپ نهم، ۱۳۸۴.
۱۳. _____، جلد دوم، انتشارات سمت، چاپ یازدهم، ۱۳۸۸.
۱۴. بازگیر، یدا،... ادله اثبات دعوی، انتشارات فردوسی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۵. برت ادوین آرتور، مبادی مابعدالطبیعه علوم نوین، ترجمه دکتر عبدالکریم سروش، نشر علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۹.
۱۶. بهرامی، بهرام، آیین دادرسی مدنی علمی و کاربردی، انتشارات بهنامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.
۱۷. جعفری لنگرودی - محمد جعفر - دانشنامه حقوقی، جلد چهارم (دعوی حریم تا فهم عرضی) - موسسه انتشارات امیر کبیر - تهران - چاپ پنجم - ۱۳۷۶.
۱۸. _____، جلد اول، ابلاغ تا ایرادات، موسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۶.
۱۹. _____، جلد پنجم، قائم مقام تا، ید، موسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۶.
۲۰. _____، جلد دوم، بازداشت تا ثبوت و اثبات، موسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۶.
۲۱. _____، جلد سوم، جزم در دعوی تا دعوی حجر، موسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۶.
۲۲. _____، دایره المعارف علوم اسلامی، جلد اول، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ احمدی، ۱۳۶۳.
۲۳. _____، جلد دوم، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ احمدی، ۱۳۶۳.
۲۴. _____، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد اول، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۲۵. _____، جلد دوم، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۲۶. _____، جلد سوم، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۲۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، قانون محشی، علمی - تطبیقی - تاریخی، کتابخانه گنج دانش، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۲۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد پنجم، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۲۹. _____، جلد چهارم، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۳۰. حری، عباس، آیین نگارش علمی، دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه های عمومی کشور، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۳۱. حسینی نژاد، حسین قلی، ادله اثبات دعوی، نشر میزان، تهران، چاپ سوم، پاییز ۱۳۷۸.
۳۲. حسینی، سید محمدرضا، زیر نظر یونس قهرمانی، مستشار دیوان عالی کشور، قانون مدنی در رویه قضایی، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۳۳. حمید محمدی، تحلیل قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه های عمومی و انقلاب.
۳۴. درویش زاده، محمد، به سفارش معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، شیوه نامه کار تحقیقی، ۱۳۸۱.
۳۵. _____، مدیریت قضایی، ۱۳۸۲.
۳۶. الرشتی، حاج میرزا حبیب ا...، کتاب القضاء، جلد اول، نشر دارالقرآن کریم قم، ۱۴۰۱ هـ.ق تحقیق احمد الحسینی.
۳۷. زراعت، عباس، منابع آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی، نشر خط سوم، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۳۸. سلیمان پور، محمد، جعل اسناد در حقوق ایران و از نظر حقوق تطبیقی - انتشارات گنج دانش، چاپ سوم، سال ۱۳۵۷.
۳۹. شمس، عبدا... آیین دادرسی مدنی، جلد اول، انتشارات دراک - تهران، چاپ هفدهم، ۱۳۸۷.
۴۰. _____، جلد دوم، انتشارات دراک، تهران، چاپ نوزدهم، ۱۳۷۸.